

نوسازی نظامی و استراتژی ترکیه برای آینده*

نویسنده: مایکل روبرت هیکوک

مترجم: مرتضی شمس

تاریخ ارائه: ۷۹/۹/۹ تاریخ تصویب: ۷۹/۱۱/۲۵

کلیدواژه‌ها

نظام دوقطبی، بی‌ثباتی منطقه‌ای، قدرت منطقه‌ای، موازنه منطقه‌ای، بحرانهای منطقه‌ای، مدیریت بحرانها، اتحاد استراتژیک، محیط امنیتی، خوداتکایی، دفاع پیشگیرانه، ضربه در عمق، اترواگرایی، بازدارندگی، امنیت دسته‌جمعی، نوسازی نظامی.

چکیده

تحولات صورت گرفته در ساختار قدرت جهانی متعاقب فروپاشی بلوک شرق، به همراه جایگاه ویژه کشور ترکیه در این تحولات و برنامه نوسازی نظامی گسترده و بلندپروازانه این کشور توجه کارشناسان و صاحب‌نظران را به این کشور جلب کرده است. متن حاضر ترجمه مقاله یکی از برجسته‌ترین کارشناسان آمریکایی امور ترکیه می‌باشد. در این مقاله اصول کلی و جزئیات فنی برنامه نوسازی دفاعی ترکیه به همراه تأثیرات و پیامدهای عمده داخلی و خارجی آن و نقش آن در جنگ آینده مورد توجه قرار گرفته است.

مقدمه مترجم

کشور "اوراسیایی" ترکیه همانند جغرافیای خود در سایر عرصه‌ها نیز در برزخ شرق و غرب گرفتار آمده است. علی‌رغم تلاش گسترده دولتمردان ترک طی هشت دهه گذشته

* Michael Robert Hickok, "Hegeman Rising : The Gap Between Turkish Strategy and Military". *Parameters*; US Army War College Quarterly, Summer 2000, pp.105-119.

برای نفی هویت تاریخی، ملی و مذهبی جامعه ترکیه و اروپایی ساختن هرچه تمامتر آن، عدم پذیرش این کشور از سوی جامعه اروپا، علاوه بر تأثیر عوامل دیگر تا حدودی معلول شرقی ماندن کم و بیش جامعه ترکیه است.

در عرصه سیاسی و امنیتی، موقعیت خاص جغرافیایی ترکیه از یک سو و محصور شدن آن در مثلث بحران بالکان، قفقاز و خاورمیانه از سوی دیگر موجب شده است که مقامات آنکارا علی‌رغم تحلیل به تمرکز توجه خود به اروپا، ناگزیر از صرف بخشی قابل توجهی از توجه و توان خویش به مناطق همجوار گردند.

در حال حاضر محیط امنیتی ترکیه متأثر از فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد دچار تحولات اساسی گردیده است. صرف نظر از تأثیرات مستقیم تحولات جدید بر وضعیتهای منطقه و آینده ترکیه، مهمترین تأثیر فروپاشی بلوک شرق بر ترکیه ایجاد ابهام در جایگاه و نقش منطقه‌ای و جهانی این کشور می‌باشد. به تصریح مقامات ترک و ناظران سیاسی، ترکیه چارچوب اصلی سیاستهای کلان خود را در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی در طول چند دهه اخیر بر اساس فضای جنگ سرد و روابطش با غرب و به طور مشخص ناتو تنظیم کرده بود. فروپاشی اتحاد شوروی و پیمان ورشو، این وضعیت را به طور کلی تغییر داده است تا جاییکه رهبران ترکیه دیگر نه تنها نمی‌توانند بر حمایت بی‌قید و شرط ناتو و غرب حساب کنند بلکه این دو عنصر را نیز بایستی به نحوی در محاسبات امنیتی خود بگنجانند.

با فروپاشی بلوک شرق و منتفی شدن فلسفه اساسی حمایت ناتو از ترکیه، مقامات آنکارا متأثر از خلأ به وجود آمده ناشی از برچیده شدن احتمالی چتر حمایتی ناتو، بسرعت به سمت ایجاد یک سیاست خارجی و نظامی خاص خود پیش رفتند و در همین راستا علی‌رغم کاهش شدید هزینه‌های نظامی سایر اعضای ناتو و حتی رایج شدن تبدیل مجتمعهای نظامی به صنایع غیرنظامی در بین این کشورها، ترکیه حرکت خود به سمت تقویت هرچه بیشتر بنیه نظامی خویش را سرعت بخشید. توان نظامی به جا مانده از برنامه‌های ناتو در جهت تقویت جناح شرقی این سازمان در مقابل مترویل بلوک شرق یعنی اتحاد شوروی که به یمن آن ارتش ترکیه به یکی از قدرتمندترین و مجهزترین ارتشهای منطقه تبدیل شده است و همچنین حضور و تأثیر نظامیان در عرصه سیاست ترکیه بویژه در حوزه روابط خارجی این کشور، پیگیری دقیق و مستمر سیاستها و برنامه‌های آتی این کشور را اهمیتی مضاعف بخشیده است. این مسئله می‌تواند نقش مهمی در تصور

جنگ آینده ترکیه ایفاکند و حتی در تصور جنگ آینده کشور ما نیز مؤثر باشد. ترجمه مقاله حاضر با هدف شناخت توانمندیها، آسیب پذیرها و سیاستهای منطقه‌ای ترکیه صورت گرفته است و امید است که به نوبه خود فتح بابی باشد برای بررسی عمیق‌تر این حوزه بسیار مهم امنیتی توسط کارشناسان و صاحب‌نظران ارجمند کشورمان.

* * * * *

ترکیه خود را در دام محاصره سه منطقه بی‌ثبات بالکان، قفقاز و خاورمیانه گرفتار می‌بیند. روزگاری استراتژیستهای ترک خود را درون حلقه آتشی از همسایگان ستیزه‌جو می‌دیدند که تنها حمایت "ناتو" در مقابله با خطر شوروی دلگرم‌کننده بود، اکنون آنها کشور خود را در محاصره خاکستر جنگهای فروخته یا جوامع دستخوش نزاع و ناکامی می‌دانند. حکمرانان آنکارا پس از تجربه یک دوره استراتژی تدافعی از دهه ۱۹۴۰ به بعد، اکنون و به دنبال وقوع تحولات جدید با درپیش گرفتن سیاستهای امنیتی تهاجمی تری بر آن‌اند تا با بهره‌گیری از فرصتهای تازه منافع ترکیه را در آینده‌ای نامطمئن تحکیم بخشند.

ظهور ترکیه به عنوان یک قدرت امنیتی در منطقه، از چشم همسایگان پنهان نمانده است. اکنون که نوسازی نظامی ترکیه به این کشور تواناییهای بسیار بالاتری نسبت به تک تک همسایگانش بخشیده است، دوران سیاست خارجی پُست-کمالیستی^(۱) در آنکارا به سر آمده است. در حال حاضر نیروهای مسلح ترکیه از ثمرات برنامه نوسازی دفاعی که در سالهای پایانی جنگ سرد با هدف ایجاد یک نیروی نظامی توانمند در جنگهای هوایی و زمینی به عنوان بخشی از ناتو آغاز گردیده بود، بهره‌مندند. پس از پایان جنگ سرد در حالی که سایر کشورهای عضو ناتو به سوی استفاده صلح‌آمیز و کوچک‌سازی تأسیسات نظامی پیش رفتند، آنکارا همچنان به افزایش هزینه‌های خود در عرصه‌های کلان نظامی ادامه می‌دهد و به نظر می‌رسد این روش را در دو دهه آینده نیز استمرار بخشد. هیچ‌یک از همسایگان ترکیه، - حتی احتمالاً روسیه در سطح منطقه‌ای و متعارف - به تنهایی توانایی رقابت با توانمندیهای نظامی ترکیه را در کوتاه مدت و میان‌مدت

*** منظور سیاست خارجی عموماً تدافعی، محافظه‌کارانه و انفعالی حاکم بر روابط خارجی ترکیه در دوره

پس از مصطفی کمال پاشا، بنیانگذار ترکیه نوین است (م)

نخواهد داشت.

غیرقابل پیش‌بینی بودن رو به افزایش سیاست امنیتی ترکیه، به همراه افزایش قدرت نظامی آنکارا در مقایسه با همسایگانش، به بی‌ثباتی منطقه‌ای دامن خواهد زد. علاوه بر این، در حال حاضر اداره عمومی جامعه ترکیه در کنترل یک تشکیلات با محوریت نظامیان [شورای امنیت ملی] قرار دارد که در اصل با هدف مقابله با تهدیدات عصر شوروی و در سطحی گسترده‌تر در فضای مناسبات و منازعات دوپیمان ناتو و ورشو طراحی گردیده بود. اینکه آیا توانمندیهای نظامی و ساختار سازمانی موجود برای مقابله با تهدیدات قرن آینده از انعطاف کافی برخوردار باشند یا نه، معلوم نیست. شکاف میان استراتژی سه‌م امنیت ملی ترکیه و تواناییهای نظامی اثبات شده این کشور به جابجاییهای ژئوپولیتیک در منطقه منجر خواهد شد.

برای غرب، ظهور ترکیه به منزله قدرت مسلط منطقه‌ای پیامدهای مثبت و منفی در هم آمیخته‌ای خواهد داشت. واشنگتن از دیرباز مطمئن‌ترین متحد بین‌المللی آنکارا بوده است، اما مقامات آمریکایی آمادگی همراهی با سیاست تهاجمی روبه گسترش ترکیه در عرصه روابط خارجی و امور امنیتی را ندارند. همکاریهای سنتی نظامی [غرب با ترکیه] به طور روزافزونی با ملاحظات گسترده‌تری در عرصه حقوق بشر، توسعه دموکراسی و امور اقتصادی، که تعیین‌کننده منافع غرب در دوران پس از جنگ سرد هستند، در تعارض واقع شده است. وقوع شکاف در ائتلاف حاکم بر آلمان در اکتبر سال ۱۹۹۹ بر سرتصمیم به اجرای قرارداد فروش تانکهای جنگی مدرن به آنکارا نشان داد که جایگاه ترکیه در ساختار آینده امنیت اروپا و در سطحی گسترده‌تر در اروپای متحد نامشخص است. در حالی که ارزش واقعی آنکارا [به دنبال افزایش قدرت نظامی آن] به عنوان یک متحد بالارفته است اما در عین حال به یک شریک امنیتی کمتر قابل اعتماد تبدیل شده است.

آینده نامعلوم ترکیه

مطالب بسیاری در باره پیدایش محیط جدید امنیتی برای ترکیه و تغییرات مشهودی که در نتیجه فروپاشی اتحاد شوروی رخ داده، به رشته تحریر درآمده است. اما این سخن از اساس مخدوش است. در ترکیه بسیاری، از جمله نخست‌وزیر کنونی این کشور "بولنت اجویت" نگران از کاهش اهمیت استراتژیک ترکیه برای غرب به دنبال پیروزی

پیمان ناتو بر پیمان ورشو، پیوسته بر خاکستر همچنان گرم جنازه شوروی می‌دمیدند او سعی در زنده نگه‌داشتن خطر شوروی و خلف آن یعنی فدراسیون روسیه داشتند. فروپاشی یوگسلاوی و تهاجم نیروهای عراقی به کویت موجب شد که مقامات ترکیه سرعت گمانه‌های خود را اصلاح کنند. موقعیت این کشور به عنوان خط مقدم مناطق بحرانی، اهمیت ترکیه را در نزد آمریکا و اروپا افزایش داده و در نتیجه عدم اعتماد به نفس مشکل‌ساز مقامات آنکارا را برطرف کرده‌است. با وجود این، هنوز هم رهبران ترکیه موفق نشده‌اند متناسب با اهمیت استراتژیک جدید خود ترتیبات روشن و راهکارهای عملی برای همکاری تنگاتنگ با غرب پدید آورند. اختلاف با یونان، منازعه مستمر بر سر قبرس و واکنش سرد اتحادیه اروپا در قبال تقاضای عضویت ترکیه، با درخواست آنکارا برای استقرار یک ساختار امنیتی جدید اروپایی که ترکیه در آن نقش محوری داشته باشد، همزمان شده‌است. واشنگتن نیز ثابت کرده‌است که شریک بسیار پیچیده‌ای است؛ و در زمانی که علائق مشترک امنیت منطقه‌ای در تقابل با اختلاف بر سر انتقال تسلیحات، سیاستهای کردی و روند توسعه دموکراسی [در ترکیه] قرار گیرد رفتارش قابل پیش‌بینی نخواهد بود. این تعارض موجب شده است که رهبران سیاسی و نظامی ترک به دنبال تجربه سیاستهای جدید باشند و به آنکارا پیشنهاد کنند که در عرصه روابط بین‌المللی آماده رویارویی انفرادی [بدون چشمداشت حمایت خارجی] با تهدیدات بزرگتر باشد.

استراتژی امنیت ملی ترکیه در قرن آینده هنوز روندی شکل نیافته و در حال تکوین است. در حال حاضر تنها خطوط کلی این سیاست در حال روشن شدن هستند. هنوز اتفاق نظر کامل میان شورای امنیت ملی و احزاب سیاسی عمده حاصل نشده است. قراین حاکی از آن است که آنکارا در صدد فراتر رفتن از چارچوب سیاست سنتی کمالیستی مبتنی بر رفتار شبه‌انزواگرایانه و امنیت دسته‌جمعی و حرکت به سوی خلق نقشی فعالتر برای ترکیه در منطقه است. نتیجه نهایی احتمالاً ظهور ترکیه به عنوان بازیگری غیرقابل پیش‌بینی است که در پی کسب نفوذی افزونتر بر همسایگان مجاور خود است.

تا همین اواخر یعنی سال ۱۹۹۷، استراتژیستهای نظامی در شورای امنیت ملی ترکیه همچنان بر اساس مفهوم سنتی استراتژی امنیت ملی که در سال ۱۹۸۵ با هدف تعیین و ارزیابی تهدیدات امنیتی ترکیه تدوین شده بود، عمل می‌کردند. چارچوب اصلی این

استراتژی در برآیند کلی خود، دارای ماهیتی دفاعی و مبتنی بر محاسبات سنتی نیروی نظامی - در برابر - نیروی نظامی* بود که در آن ملاحظات هسته‌ای در حوزه ناتو یا مناسبات با آمریکا نیز مدنظر قرار گرفته بود.

در خلال جنگ سرد، یکی از مباحث اساسی مطرح درون محافل ناتو مربوط به این بود که نیروهای ترکیه تا چه اندازه آمادگی داشتند تا قبل از اجرای ضدحمله از سوی نیروی ائتلافی [ناتو] به منظور عقب‌راندن نیروهای شوروی و پیمان ورشو، با عقب‌نشینی خود را حفظ کنند. استراتژیستهای ترکیه امیدوار بودند که می‌توانند با دشمن در مرزها درگیر شوند و طی یک عقب‌نشینی سازمان یافته به داخل کشور به جنگ با دشمن ادامه دهند. استراتژیستهای امریکایی خوشبینی کمتری داشتند، و براساس بررسیهای اولیه در اواخر دهه ۱۹۵۰، عقب‌نشینی به گوشه‌ای از جنوب غربی ترکیه در منطقه اسکندرون را پیشنهاد کردند. اگرچه استراتژی ترکها در گذر زمان بارها مورد تعدیل و برخی بازنگریها واقع شد، اما در سال ۱۹۹۰، شورای امنیت ملی همچنان ایده اولیه خود را حفظ کرد و دفاع در چند جبهه از خاک کشور را به عنوان وظیفه امنیتی اصلی تعیین کرد.

این ذهنیت در دهه ۱۹۹۰ تغییری نکرد. اخیراً و در سال ۱۹۹۷، مستشاران نظامی ترکیه در رتبه‌بندی تهدیدات، روسیه، یونان، عراق، ایران و سوریه را در صدر تهدیدات امنیتی این کشور قرار دادند و این تهدیدات را ناشی از ادعاهای سرزمینی این کشورها علیه ترکیه و توانایی آنها در تدارک نیروهای متعارف دانستند.^(۲) "شکروالکداغ"، معاون سابق وزارت خارج ترکیه و سفیر این کشور در واشنگتن، در تبیین این ذهنیت به ارائه یک تحلیل سیاسی گسترده‌تر پرداخت و بدین‌منظور به نیاز مستمر ترکیه به آمادگی برای "دو جنگ و نیم" اشاره کرد و گفت: «برای نمونه لازم است [ترکیه] درحالی‌که به طور همزمان درگیر دو جنگ تمام عیار است... آمادگی لازم برای رویارویی با یک "نیمه جنگ" رانیز داشته باشد که ممکن است از داخل کشور به راه افتد».^(۳) او در توضیح بیشتر گفت که "خطوط دفاعی داخلی" از چنان استحکامی برخوردار نیستند که به ترکیه

* این گرایش منکی بر محاسبه قدرت نظامی به عنوان ماهیت قدرت ملی یا وجه غالب آن و به عنوان بزار بازدارنده در برابر تهدیدات خارجی است، و طبیعتاً برای نیل به این مقصود تلاش می‌کند حجم نیروی نظامی خود را متناسب با حجم نیروی نظامی رقیب یا رقبای افزایش دهد (م).

* Sükrü Elekdağ

اجازه دهند تا تمام تمرکز خود را متوجه مرزهای خارجی کند. روند منازعات به سمنی رفته است که ارتش [ترکیه] بایستی توان نظامی لازم برای جنگیدن همزمان حداقل در دو جبهه را داشته باشد.^(۴)

سیاستگذاران ترک، خطر اصلی را از بین رفتن تمامیت ارضی این کشور در اثر تجاوز خارجی به مرزهای ترکیه از سوی نیروهای متعارف یا با اقدامات تروریستی داخلی، که مورد حمایت مستقیم دولت‌های متخاصم قرار دارد، می‌دانستند. بنابراین لازم بود که سازماندهی، آموزش و تجهیزات ارتش، دومنظوره باشد. به همین منظور نیروهای زمینی و هوایی برای گند کردن تهاجم سنگین نظامی و سپس انجام اقدامات دفاعی در عمق مناطق شرقی و جنوبی در نظر گرفته شده بودند. واحدهایی از ارتش و ژاندارمری نیز برای اقدامات ضدشورش به عنوان نیروهای دفاع ثابت و نیروی عمل کننده متحرک مهیا گشته بودند. در این طرح استراتژیک، نیروی دریایی برای حفاظت از سواحل و به عنوان نیروی اصلی دفاع از تنگه بسفر در نظر گرفته شده بود. اگرچه در این طرح، تحرک تاکتیکی بروشنی مدنظر قرار گرفته اما تحرک استراتژیک و توانایی وارد ساختن ضربه عمیق کمتر مورد توجه بوده است. در این استراتژی، جنگ در داخل خاک ترکیه در نظر گرفته شده بود.

تحول در سیاست خارجی ترکیه و انتشار یک استراتژی جدید دفاعی در سال ۱۹۹۸ بیانگر آن است که نگرش قدیمی مورد تجدیدنظر واقع شده است. سیاستگذاران ترک بدون آنکه پیوندهای اساسی خود با غرب و ناتو را نفی کنند، ادعای آتاتورک را مبنی بر اینکه آینده ترکیه تنها در ارتباط با غرب رقم می‌خورد، تعدیل کرده‌اند. برای تمامی نسل‌های ترکیه فعلی، جایگاه این کشور به مثابه کشوری اروپایی، فارغ از پیوندهای تاریخی با امپراطوری شرقی عثمانی، اساس هویت ترکیه نوین را شکل می‌دهد. رهبران سکولار بویژه در ارتش هر تلاشی در جهت افزایش نقش ترکیه در شرق اسلامی را به عنوان حرکتی غیرقابل قبول از سوی اسلامگرایان مرتجعی قلمداد و محکوم کرده‌اند که هدف آنها تضعیف میراث غربگرایانه آتاتورک است. با وجود این، هم‌اکنون در اسناد رسمی نظامی از ترکیه به عنوان "کشور اوزاسیایی" نام برده می‌شود که ملزم است «روابط خود با غرب و شرق را به طور همزمان مستحکم کند و گسترش دهد».^(۵) این انحراف از هفت دهه پایبندی به اصول آتاتورک، نقطه عطف مهمی در تفکر استراتژیک ترک‌هاست.

تحلیلگران ترک معتقدند که تحول در سیاست خارجی ترکیه ناشی از چالش بین «طرفداران بی‌باکی و حامیان احتیاط و این مسئله است که ارتش و دیوانسالاران غیرنظامی به اردوگاه اخیر تعلق خاطر دارند».^(۶) این وضعیت نشان از وجود کشمکش بر سر جایگاه ترکیه به منزله کشوری اروپایی و یا اسلامی دارد، که در این میان طبقه حاکم از سنتهای سکولار غرب حمایت می‌کند و بنیادگرایان مسلمان و جدایی طلبان کرد از دیدگاههای انعطاف‌پذیرتری پشتیبانی می‌کنند.

در حال حاضر فشارهایی عمدتاً از درون ارتش برای درپیش‌گرفته شدن یک سیاست خارجی فعالتر بویژه در سرزمینهای متعلق به امپراطوری عثمانی صورت می‌گیرد. در دوران جنگ سرد، ترکیه با وجود داشتن روابط دوستانه با همسایگان عرب و فارسش همچنان فاصله خود را با آنها حفظ کرد. آنکارا همواره سعی کرده است علی‌رغم داشتن پیوندهای ویژه با "تل‌آویو" از روند صلح خاورمیانه فاصله بگیرد. در فوریه ۱۹۹۶ آنکارا به طور غیرمنتظره‌ای اقدام به امضای یک توافقنامه همکاری در زمینه‌های آموزش و تمرینات نظامی با اسرائیل کرد که محاسبات استراتژیک را در منطقه برهم زد. تلاش برای این اقدام در ترکیه از سوی "انور ائمن"، معاون وزارت خارجه و "چویک بیر"، جانشین سناد مشترک صورت گرفت. علی‌رغم موضع رسمی آنکارا مبنی بر اینکه همکاری با اسرائیل به هیچ‌عنوان علیه سایر کشورها نیست، با این حال "بیر" و برخی دیگر از افسران عالی‌رتبه بصراحت تأکید کرده‌اند که؛ "این دو کشور دمکراتیک سکولار" با تهدیدهای استراتژیک یکسانی روبه‌رو هستند.^(۷) اما تهدیدات استراتژیکی که "بیر" از آنها سخن به میان می‌آورد دقیقاً همانهایی نیستند که از سوی استراتژیستهای جنگ سرد مورد اشاره واقع شده‌اند. این گروه، رهبران ترکیه را ترغیب می‌کنند تا این کشور علاوه بر مشارکت گسترده‌تر در بحرانهای بالکان و قفقاز در خاورمیانه نیز دخالت کند.

ژنرال "حسین کیوریک اوغلو"*** قبل از انتصابش به ریاست ستاد مشترک در اوت ۱۹۹۸، و در زمان فرماندهی نیروی زمینی امور زیر را به عنوان تهدیدات جدید ترکیه مورد اشاره قرار داد:

- منازعات منطقه‌ای؛

- برخوردهای نژادی؛

* Onur Oymen

** Cevik Bir

*** Huseyin Kivrikoglu

- گسترش سلاحهای کشتار جمعی؛

- افراطی‌گری مذهبی؛

- قاچاق مواد مخدر؛ و

- تروریسم بین‌المللی.

وی از تعیین کشوری خاصی به عنوان منبع این تهدیدات خودداری کرد - که این امر در تعارض آشکار با اسناد استراتژی پیشین ترکیه قرار دارد - در عوض وی بر تأثیر این چالشها بر ارتش ترکیه تمرکز کرد. وی تأکید کرد که ارتش باید «ماهیتاً به نیرویی برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی که تمامیت ارضی و رژیم جمهوری را مورد هدف قرار داده‌اند، تبدیل شود». اگرچه این گفته وی تفاوتی با تأکید پیشینیان او مبنی بر لزوم حفاظت ارتش از مرزهای ملی ترکیه نداشت، اما «کیوریک اوغلو» پا را از این فراتر گذاشت و علاوه بر مأموریت بازدارندگی و دفاع استراتژیک، گفت: «به‌کارگیری سریع ارتش در سرزمینهای خارجی با توجه به نوع تهدیداتی که ما با آن مواجهیم و خطرات و مسئولیتهایی که ممکن است متوجه ما شود، از اهمیت اساسی برخوردار است». او کلام خود را با طرح کلیات یک برنامه نوسازی با هدف تأمین تحرک استراتژیک برای انجام اقدام مشترک در ماورای مرزهای ترکیه به پایان رساند.^(۸) پس از ارتقای «کیوریک اوغلو» به سمت رئیس ستاد مشترک، وی به خبرنگاران گفت که ترکیه علاوه بر توان بازدارندگی و امنیت دسته‌جمعی، به توسعه تواناییهای عملیاتی خود برای «پیشدستی» و «دفاع پیشگیرانه» نیز نیاز دارد.^(۹) به عقیده وی ارتش بایستی آماده باشد تا با تهدیداتی که متوجه منافع ترکیه می‌شود، پیش از آنکه به درون خاک ترکیه راه یابند، مقابله کند.

انتشار نشریه سالانه وزارت دفاع ملی موسوم به «نشریه سفید - دفاع ۱۹۸۸»^{*} آشکار می‌کند که چگونه این دیدگاهها راه خود را به سوی تغییر سیاست نظامی و سیاست خارجی ترکیه باز کرده‌است. براساس این سند، استراتژی نظامی ترکیه بر چهار رکن مجزا استوار است. ستاد مشترک ابتدا بر تثبیت دو رکن پیشین، یعنی بازدارندگی و امنیت دسته‌جمعی تصریح می‌کند تا بر وجود استمرار و پیوستگی در سیاست دفاع ملی تأکید شود. اما دو رکن دیگر - یعنی دفاع پیشگیرانه و ارائه کمک نظامی برای مدیریت بحرانها و مداخله در بحرانها - انعکاس فاصله گرفتن از استراتژیهای پیشین است.

نکته کلیدی دو رکن اخیر این است که ارتش ترکیه بایستی ماهیت هر منازعه احتمالی

* White Paper-Defense 1998

را در سریعترین زمان ممکن شناسایی کند و اقدامات لازم را برای مقابله با آن منازعه قبل از آنکه به یک تهدید واقعی علیه ترکیه تبدیل شود، به عمل آورد. اگرچه این سند بیان در دسرساز "کیوریک اوغلو" مبنی بر درپیش گرفتن "سیاست پیشدستی" را تا حدودی تلطیف کرد اما در عین حال تصریح می‌کند:

چارچوب کلی طرح دفاعی ۲۰۰۰، بر در نظر گرفتن یک محدوده خطر برای نیروی متجاوز... و مضمحل ساختن دشمن در ماورا و اعماق صحنه نبرد تأکید می‌کند. از این رو، در اختیار داشتن واحدهای عملیاتی مجهز به قدرت آتش خردکننده و توانایی مانور و... استفاده از هدف‌یابی مستمر و مؤثر، شناسایی و سیستمهای هشداردهنده همچنین... برخوردارگی از فرماندهی و کنترل، جنگ‌افزارهای الکترونیک، و سیستمهای مبادله اطلاعات برای دستیابی به این هدف ضروری هستند.^(۱۰)

آنکارا مجموعه‌ای از طرحهای عملیاتی را با هدف مقابله ارتش با تهدیدات در ساورای مرزهای این کشور در نظر گرفته است. ارتش ترکیه نه تنها از توانایی کافی بلکه همچنین از اراده لازم برای دست زدن به عملیات در خارج از مرزهای این کشور برخوردار است.

ناهمگونی آرزوها و تواناییها

مشاجره صورت گرفته بین "تورگوت اوزال"، رئیس جمهور و ژنرال "نجیب ترومتی" **، رئیس ستاد مشترک ترکیه بر سر حضور ترکیه در جنگ خلیج (فارس) به عنوان محور مباحثات مربوط به چرخش در سیاست خارجی ترکیه مورد توجه قرار گرفته است. توافقنامه ۳ دسامبر ۱۹۹۰ بین "ترومتی" و ائتلاف بین‌المللی در مورد استفاده از تأسیسات و امکانات ترکیه در جنگ علیه عراق حکایت از غلبه نگرش برخورد فعالتر با مسائل منطقه‌ای بر مکتب سنتی کمالیستی متکی بر نوانزوآگرایی که ارتش همواره نماد و مظهر آن بوده است، دارد. به عقیده تحلیلگران این اقدام همچنین نشانه غلبه سیاستمداران غیرنظامی بر همتایان نظامی خود در عرصه روابط بین‌المللی است. تحولات بعدی، بازاندیشی در خصوص کاهش امتیازات ویژه ارتش را تشویق کرد اما با وجود این جنگ خلیج فارس بیانگر تغییر اساسی در جاه‌طلبیهای منطقه‌ای ترکیه نبود.

* Turgut Özal

** Necip Torumtay

جالب اینکه "ترومتای" در خاطراتش تفسیری متفاوت از مشاجره‌اش با "اوزال" ارائه می‌کند. به عقیده وی مسئله این نبود که آیا ترکیه لازم است برای بهره‌گیری از فرصتهای به دست آمده متعاقب تحولات خاورمیانه و اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد شوروی، نگرش استراتژیک خود را تغییر دهد. به نظر وی و بسیاری از افسران عالی‌رتبه، مشکل ترکیه فقدان توان نظامی بومی برای درپیش گرفتن یک سیاست خارجی مستقل بود؛ امری که موجب منازعات طولانی این کشور با همسایگانش شده بود. دیپلماسی ماجراجویانه ترکیه در خاورمیانه، قفقاز و بالکان بدون ارتقای جدی، توان نظامی این کشور بسیار مخاطره‌آمیز بود زیرا توافقی‌نامه‌های امنیت دسته‌جمعی این کشور با ناتو کاربردی در این گونه موقعیتها نداشت. این درس و تجربه در خلال چندین بحران قبرس برای ارتش ترکیه اثبات شده است و مقامات عالی‌رتبه‌ای همچون "الکداغ" تصور می‌کنند که در آینده نیز چنین خواهد بود:

اجازه بدهید فرض کنیم که روسیه اقدام به یک حمله همه‌جانبه علیه ترکیه کند. در صورت وقوع چنین حادثه‌ای ترکیه دیگر نمی‌تواند روی کمک ناتو حساب باز کند. با فروپاشی اتحاد شوروی ناتو به طور کلی نقش خود در دفاع از ترکیه را از دست داده است.^(۱۱)

ارتشی که نیروها و تواناییهایش براساس اصول بازدارندگی و امنیت دسته‌جمعی سازماندهی شده بودند برای ابراز وجود و قدرت نمایی مطمئن در سال ۱۹۹۰ آمادگی اندکی داشت. "ترومتای" در مقابل تصمیم اوزال از سمت خود کناره‌گیری کرد زیرا سایه ژنرال "کنعان اورن" در پشت سر "اوزال" قرار داشت؛ به عقیده وی رهبر بازنشسته کودتای نظامی ۱۹۸۰ از تصمیم رئیس جمهور حمایت می‌کرد و اعتقاد داشت که افسران عالی‌رتبه ارتش بایستی نقش خود را تغییر دهند.^(۱۲)

به نظر می‌رسد که "ترومتای" در ارزیابی خود از عدم تناسب بین آرزوها و تواناییهای ترکیه برحق بوده باشد. برای مثال شکست آنکارا در تلاشهای اولیه خود در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ برای کسب نفوذ در قفقاز به دلیل ناتوانی این کشور در ارائه یک پشتوانه امنیتی مطمئن به جای اقتدار باقی مانده روسیه بود.^(۱۳) در درون وزارت خارجه نیز مقامات بلندپایه این نگرانی را گوشزد، و تأکید کردند که؛ «صرف نظر از این که توان یک سیاست خارجی چه مقدار باشد اما به هر حال نمی‌تواند از قدرت نظامی پشتیبان آن

بیشتر باشد»^(۱۴) نیاز به تجدید ساختار ارتش هم در عرصه دکترین و هم تجهیزات برای پشتیبانی از اهداف سیاسی رو به افزایش، هدفی اساسی است که از برنامه نوسازی نظامی در حال اجرا، دنبال می‌شود.

روند آماده‌سازی نظامی

با انتشار نشریه سفید دفاعی در اوایل سال ۱۹۹۹ سعی شد تا به ابهامات موجود در افکار عمومی در خصوص تحول در نیروهای مسلح ترکیه و اینکه چگونه این نیروها خواهند توانست تواناییهای لازم را که به عقیده "ترومتای" در سال ۱۹۹۰ فاقد آن بودند، به دست آورند، پاسخ داده شود. براساس این سند، تحلیلگران بومی معتقد بودند که نوسازی چهار رکن استراتژی نظامی ترکیه را شامل خواهد شد؛

۱- بازدارندگی: حفظ و تثبیت آن بخش از نیروهای نظامی که به عنوان عامل بازدارنده در مقابل منابع داخلی و خارجی تهدید عمل می‌کنند؛ این تهدیدات ناشی از بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی در اطراف ترکیه‌اند؛

۲- امنیت دسته‌جمعی: مشارکت فعال در سازمانها و ائتلافهای منطقه‌ای و بین‌المللی ویژه ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا؛

۳- دفاع پیشرفته: شناسایی ماهیت هر تهدید احتمالی در سریعترین زمان ممکن و مشخص ساختن تهدید واقعی از غیر آن؛ و

۴- مشارکت نظامی در مدیریت بحرانها.^(۱۵)

به عقیده تحلیلگران، این اصول مستلزم اقدامات عملیاتی از جمله «قدرت بازدارندگی مؤثر، تحرک و قدرت آتش بالا، توانایی ضربه عمیق، و به دست آوردن سلاحهای مدرن» بود. ژنرال "کیوریک اوغلو" در یک مصاحبه عمومی این مفاهیم به علاوه "پیشدستی" و "تجدید ساختار و بازسازی نیروها" را در ارتباط با چهار رکن ذکر شده در نشریه سفید به تفصیل تشریح کرد.^(۱۶)

ریشه‌های برنامه نوسازی ترکیه به قانون شماره ۳۲۳۸ در نوامبر سال ۱۹۸۵ برای سازماندهی مجدد صنایع دفاعی بازمی‌گردد. این قانون با هدف کمک به ترکیه برای هماهنگ شدن هرچه بیشتر با تحولات سریع تکنولوژیک در عرصه صنعت نظامی و مجهز ساختن نیروهای مسلح این کشور به تجهیزات دفاعی مدرن، طراحی گردید. قانون مزبور یک سیستم سه سطحی برای منطبق ساختن تصمیمهای مربوط به سیاست

آماده‌سازی با استراتژی ملی تدوین کرده بود. قانون مورد اشاره یک هیأت عالی هماهنگ کننده به ریاست مشترک نخست‌وزیر و رئیس ستاد مشترک در نظر گرفته بود. هیأت، مسئولیت تنظیم مؤلفه‌های کلان اقتصادی سیاست دفاعی، بویژه امور مربوطه به برنامه‌های آماده‌سازی عمده را به عهده داشت. در سطح دوم، هیأت در نقش دیگرش به عنوان کمیته اجرایی صنایع دفاعی، مسئولیت نظارت بر فعالیتهای مربوط به توسعه صنایع دفاعی و حمایت‌های اداری را برعهده داشت و این امر به شکلی طراحی شده بود که کنترل پروژه‌ها از مرحله تصمیم‌سازی در خصوص نیازهای نظامی تا تحویل سیستم را شامل می‌شد. منابع مالی این فعالیتهای از سوی یک شرکت سرمایه‌گذاری دولتی موسوم به صندوق حمایت از صنایع دفاعی، تأمین می‌شد. درآمد صندوق عمدتاً از طریق مالیات بر لوازم لوکس، فرآورده‌های نفتی و قمارخانه‌ها تأمین می‌گردید. علاوه بر این، از نظر تئوریک نیز بودجه صندوق از نظام بودجه‌بندی سالانه با تخصیص اعتبارات ویژه جدا شده بود. در قانون مزبور، هدف ترکیه «رساندن سطح صنایع بومی کشور به حدی بود که محصولات نظامی مورد نیاز نوسازی نیروهای مسلح را با توجیه اقتصادی تولید کنند و بتوانند همگام و با توانایی انطباق سریع با آخرین دستاوردهای تکنولوژیک، تولیدات خود را به روز کنند. این اقدام است که بازدارندگی واقعی به وجود می‌آورد.»^(۱۷) برنامه‌ریزی متمرکز برای نوسازی نظامی و ایجاد صنایع دفاعی بومی قبلاً موفقیت‌های نسبی به دست آورده بود، اما این قانون روندی سیستماتیک برای گره‌زدن و انطباق استراتژی ملی ترکیه با توانایی دفاعی این کشور به وجود آورد.^(۱۸)

در جهت اهداف قانون صنایع دفاعی، شورای امنیت ملی در سال ۱۹۸۵، طرح استراتژی نظامی ملی را به عنوان چارچوب اصلی نخستین برنامه ده‌ساله کشور تصویب کرد. نتیجه ظهور این سیستم، توسعه یک روند برنامه‌ریزی دفاعی تهدید محور بود که بازبینی کلی نیازمندیهای دفاعی را تنها یک بار در هر دهه میسر می‌ساخت. اگر چه بخش اعظم بودجه دفاعی ترکیه طبقه‌بندی محرمانه دارد و جزئیات آن حتی در دسترس اعضای قوه مقننه که خود اعتبار لازم را تخصیص داده‌اند نیز نیست، اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این چرخه برنامه‌ریزی ده‌ساله تا حدودی مشکلات آنکارا در تنظیم هزینه‌های دفاعی خود در محیط استراتژیک جدید را حل کرده است.

آنچه مسلم است اینکه شورای امنیت ملی ترکیه برای رویارویی با شرایط پیش‌بینی نشده متعاقب فروپاشی اتحاد شوروی و جنگ خلیج [فارس] اولیتهای بودجه‌ای را

درون طرح کلی جا به جا کرده است. با وجود این، به عقیده تحلیلگران آشنا به پروژه مورد اشاره شورای مزبور تا سالهای ۱۹۹۴-۹۵ همچنان در ارزیابی نیروها و تواناییهای همسایگان ترکیه برای تعیین نیازها و ضرورت‌های نوسازی نیروهای مسلح خود از برآوردهای امنیتی دوره ۱۹۸۵ بهره می‌جست. (۱۹)

گزارش کمیته اجرایی صنایع دفاعی به "نجم‌الدین اربکان"، نخست وزیر وقت در اکتبر ۱۹۹۶ که حاوی پیشنهادهایی در مورد برنامه‌های دفاعی جدید بود، پروژه‌هایی را نیز که طی دو سال اختلالات سیاسی و اقتصادی متوقف شده بودند، شامل می‌شد. (۲۰) این پروژه‌ها آخرین قسمت از برنامه‌هایی بودند که در فضای برآوردهای امنیتی دوران جنگ سرد طراحی شده بودند و با پایان یافتن آنها، انتقال به دوران استراتژی جدید ملی و طرح ده‌ساله آماده‌سازی دوم که در "نشریه سفید - دفاع ۱۹۹۸" مورد اشاره واقع شده بود، آغاز گردید.

ارتقای سیستمها

در گزارش سال ۱۹۹۶ به نخست وزیر، عمده‌ترین برنامه‌های مورد اشاره بر توسعه زیرساختهای تولید سلاحهای پیشرفته، موشک و توانمندیهای هوایی متناسب با دکترین جنگ زمین - هوای ناتو* متمرکز بود. مسئله دیگر اینکه ساختار نیروهای زمینی ترکیه به آهستگی از تفسیم‌بندی براساس "لشکر" و فرماندهی ذی‌ربط به سیستم آمریکایی ساماندهی در قالب "تیپ" تغییر یافته است. پیشنهادهای ارائه شده در گزارش مزبور به منظور تسریع در انجام اقدامات لازم برای تکمیل و بهسازی این تغییرات صورت گرفته است. آنکارا همچنین تصمیم گرفت که به تلاش خود برای تولید مشترک تانکهای رزمی و جایگزینی آنها با خودروهای از رده خارج، که طبق برنامه بایستی تا سال ۲۰۰۰ از خدمت کنار گذاشته می‌شدند، سرعت بخشد و همچنین تولید مشترک هلی‌کوپترهای تهاجمی را با هدف دستیابی به تحرک بیشتر و پشتیبانی هوایی مطلوبتر در دستور کار قرار داد. طرحهای ارائه شده ارتقای تجهیزات الکترونیک و سیستم رادار هواپیماهای اف-۴، اف-۵ و اف-۱۶ برای مجهز ساختن نیروی هوایی ترکیه به قابلیت‌های دید در شب و عملیات در تمام وضعیتهای جوئی رانیز در برمی‌گرفت.

ییمانکاران نظامی حاضر در نشست سالانه شورای آمریکا - ترکیه، که در سال ۱۹۹۷

* Necmettin Erbakan

** NATO Airland battle doctrine

در واشنگتن دی.سی. برگزار شد، زمانی که نمایندگان دولت و ستاد مشترک ترکیه بر تصمیم این کشور برای هزینه کردن بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار طی سی سال آینده به عنوان بخشی از طرحهای نوسازی ارتش این کشور - که جزئیات آن قبلاً در نشریات "استراتژی ملی ترکیه" و "اسناد استراتژی دفاعی" منتشر شده بود - صحه گذاشتند، از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجیدند. در دهه ۱۹۸۰ نوسازی عمدتاً حول محور ایجاد یک صنعت هوایی بومی از طریق تولید مشترک جنگنده‌های اف-۱۶ دور می‌زد. علی‌رغم برخی طرحهای نوسازی شامل افزودن هواپیماهای سوخت‌رسان کی سی-۱۳۵ به ناوگان هوایی و افزایش توانایی کنترل و فرماندهی با در اختیار گرفتن "آواکس" یا سیستمهای مشابه آن، تأکید مشخص برنامه نوسازی آینده ترکیه بر نیروهای زمینی این کشور متمرکز بود.

یکی از پروژه‌های بلندپروازانه که به تنهایی بیشترین هزینه را به خود اختصاص می‌داد، طرح تولید مشترک ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دستگاه تانک رزمی استاندارد ناتو در ده سال آینده بود. پس از مطالعه پیشنهادهای کمیته صنایع دفاعی از سوی اربکان نخست‌وزیر وقت، وزارت دفاع ملی بسرعت این پروژه را آغاز کرد. وزارت مزبور با ارسال درخواستهایی به شرکتهای خارجی و داخلی، متقاضی ارسال اطلاعات اولیه تا اول ژوئن ۱۹۹۷ از سوی این شرکتها شد.^(۲۱) نه شرکت خارجی و بیش از ۲۰ مؤسسه ترک به مشارکت در پروژه اظهار تمایل کردند و درخواست دریافت جزئیات بیشتری کردند. در پاییز ۱۹۹۷ کلیات پروژه تولید تانک روشن‌تر شده بود. وزارت دفاع با پیشنهاد ۳۵۰ میلیون دلاری شرکت "کوچ هلدینگ اتوکار" برای ایجاد زیرساختهای اولیه مورد نیاز پروژه تولید مشترک موافقت کرد. "اتوکار" موظف بود تأسیسات لازم برای آغاز بازسازی آن دسته از تانکهایی را که قرار بود پس از سال ۲۰۰۰ از فهرست موجودی ارتش خارج شوند، ایجاد کند. انتقال تکنولوژی صورت گرفته در این بین بازسازی تانکهای خارج از رده] و کارخانه ساخته شده در "آداپ ازری" ** پس از این مرحله به عنوان شالوده تولید تانکهای جدید رزمی و قطعات یدکی آنها پس از انتخاب شریک خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت.^(۲۲) براساس گزارشهای منتشره، مقامات امور دفاعی در مرحله بعد نمونه‌های رقیب برای تولید در این پروژه را به موارد زیر تقلیل دادند؛

۱- تانک "ام ۲۱" ساخت "جنرال دینامیکز"***

* Koc Holding's Otokar

** Adapazari

*** General Dynamics' M1A2 Abrams

- ۲- تانک "لکلرک" ساخت کارخانجات "جیات"
- ۳- تانک "لئوپارد ۲ آ ۵" ساخت "کراوس مافی"
- ۴- تانک "چالنجر ۲" ساخت "سیستمهای دفاعی ویکرز"
- ۵- تانک "مرکاوا ۳" ساخت "سیبات"

صنایع ترکیه اخیراً تجربه ارتقای تانکهای سری ام ۴۸ با مجهز ساختن آنها به توپهای بزرگتر، ردیابی حرارتی، کنترل توپ و سیستم پایدارسازی، و کامپیوترهای پیشرفته کنترل آتش را پشت سر گذاشته‌اند. انتقال از مرحله بازسازی تانک به تولید مشترک نخستین نسل تانکهای رزمی از الگوی مورد استفاده در برنامه تولید اف-۱۶ پیروی خواهد کرد. تانکهای نخستین با استفاده از قطعات عمدتاً وارداتی در ترکیه مونتاژ خواهند شد، اما بتدریج انتقال تکنولوژی صورت گرفته به تولیدکنندگان ترک امکان ساخت داخل درصد بیشتری از قطعات را خواهد داد.

تولید مشترک تانکهای رزمی تنها برنامه‌ای نبود که از سوی وزارت دفاع اعلام شد. سیاستگذاران به این نتیجه رسیده بودند که سازماندهی مجدد نیروهای زمینی برای انجام مأموریت‌های جدید محول شده از سوی ستاد برنامه‌ریزی، مستلزم مجموعه‌ای از سیستمهای اضافی به عنوان مکمل واحدهای تانک بود. پیشنهادهای مناقصه برای آزمایش نفربرهای زرهی چرخدار مختلفی ارسال شد. با توجه به فقدان سیستم توپ خودکشی ۱۵۵ میلی متری مدرن در ارتش ترکیه، ارتش با استفاده از تجربه پروژه بازسازی تانکها سعی کرد در قدم اول سیستمهای قدیمی تری همچون ام ۵۲ و ام ۴۴ را برای دستیابی به تحرک و قدرت آتش بیشتر، ارتقا بخشد.

وزارت دفاع همچنین درخواستهای ارسال اطلاعات و قیمت توپهای ضد هوایی پیشرفته دارای رادار مدرن را با هدف دستیابی به توان دفاع هوایی متحرک، به سه شرکت فرستاد. از جمله ویژگیهای مورد نظر برای این توپها امکان استفاده از مهمات تولیدی در ترکیه بود. در راستای همین خط فکری، مقامات ترک مایل بودند از بخشهایی از سیستم دفاع هوایی موشک استینگر که توسط نفر حمل می‌شود و بر روی چهارپایه مستقر می‌گردد، با سوار کردن آن بر یک شاسی چهارچرخ بهسازی شده ساخت ترکیه

* Giat Industries' Leclerc

** Krauss Maffei's Leopard 2A5

*** Vickers Defense Systems' Challenger 2

**** SIBAT's Merkava III

استفاده کنند. در همان طرح آماده‌سازی سال ۱۹۹۷، همچنین تجهیز ارتش به یک سیستم موشکی زمین به هوای مستقر بر روی کامیون و سیستم‌های ضد‌هوایی ۲۰ میلیمتری یا ۳۵ میلیمتری کشتی با سیستم کنترل آتش کامپیوتری چندگانه در نظر گرفته شده بود، که البته سفارش این تجهیزات صادر نشد.

به طور سنتی هوانیروز ارتش، همچنانکه عملاً در عملیاتهای ضدشورشگری اوایل دهه ۱۹۹۰ جنوب شرقی ترکیه نیز مشاهده شد اساساً برای دستیابی به تحرک تاکتیکی مورد استفاده واقع می‌شد. اما استراتژی عملیاتی در حال تکوین "دفاع پیشگیرانه" مستلزم محول شدن مأموریت‌های مضاعف و تحویل تجهیزات جدید به این واحد بود. برای افزودن تواناییهای ضربه در عمق و شناسایی به هوانیروز و تحول این واحد بر طبق الگوی ارتش آمریکا، ستاد مشترک ترکیه متقاضی دریافت هلی‌کوپترهای چندمنظوره و هلی‌کوپترهای تهاجمی جدیدی برای تکمیل پروسه کنار گذاشتن سیستم موشکی تاکتیکی رایج [که اصطلاحاً به آن شلیک کور گفته می‌شود] شد.

به طور کلی استراتژیست‌های نظامی ترکیه به دنبال تشکیل یک نیروی زمینی متکی بر واحدهای زرهی و واحدهای پیاده مکانیزه بودند که قادر باشد همراه با واحدهای دفاع هوایی خود سرعت از طریق جاده یا از میان مناطق تسخیر شده، جابجا شود. در واقع افسران ترک تصمیم داشتند که به جای دفاع ثابت متکی بر انبوهی از سیستم‌های تسلیحاتی قدیمی - همچنانکه در الگوی روسی ارتش عراق مشاهده می‌شود - بر اساس الگوی آمریکایی یک نیروی زمینی دارای قدرت مانور و تحرک بالا ایجاد نمایند. در این استراتژی نظامی برای نیروهای هوایی و دریایی نقشی جانبی و پشتیبانی‌کننده در نظر گرفته شده بود.

لیست خریدهای نظامی تهیه شده در سال ۱۹۹۷ نشانگر استمرار حضور استراتژیهای تهدید - محور متأثر از جنگ سرد که سیاستهای نوسازی نظامی ترکیه را برای مدت چهار دهه در کنترل خود داشتند، در این مقطع می‌باشد. اما در مجموع حجم و حوزه برنامه‌های آماده‌سازی و تولید مشترک پیشنهاد شده در سال ۱۹۹۷، بر برنامه طراحی شده در سال ۱۹۸۵ غلبه کرده است. در این سال شورای امنیت ملی و ستاد مشترک همزمان اقدام به تجدیدنظر در استراتژی دفاع ملی نمودند. اجرای آزمایشی نتایج این مطالعات با بی‌ثباتی سیاسی داخلی همزمان بود. در تلاشی در جهت بازگرداندن حداقل ثبات لازم برای اجرای برنامه نوسازی - و مطابق نظر ستاد مشترک -

شورای وزیران در اوایل سال ۱۹۹۸ سند سیاست دفاعی موسوم به "استراتژی و سیاست صنعت دفاعی ترکیه" را تصویب نمود. این سند برخی از برآوردهای پیشین در مورد نیازهای دفاعی را تعدیل کرد. به طور مشخص این سند اصولی را برای مشارکت خارجی در طرحهای نو سازی جدید وضع نمود.

بر اساس سند مورد اشاره شرکتهای خارجی در صورتی اجازه می‌یافتند در مناقصات پروژه‌های ترکیه شرکت کنند که تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار نگیرند و همچنین تولیدات مشترک چنین قراردادهایی امکان فروش همزمان در بازار داخلی ترکیه و صادرات را داشته باشند. این طرز برخورد مقامات ترک با شرکتهای خارجی حاکی از بدگمانی و رنجش حاصل از محدودیتهای ایجاد شده از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی بر سر راه صادرات سلاح به ترکیه بود. نگرانی و بدگمانی مقامات ترک زمانی صورت واقع به خود گرفت که در اکتبر ۱۹۹۹ درخواست آنکارا برای خرید تانکهای لئوپارد ۲ به ایجاد شکاف در ائتلاف حاکم بر آلمان منجر شد و این امر به سلسله‌ای از بحرانهای سیاسی در برلین منتهی گشت. [علاوه بر دولت] در سطح افکار عمومی نیز ۶۲ درصد از آلمانها در نظرسنجی انجام شده در آن مقطع زمانی با فروش سیستمهای تسلیحاتی به یکی از اعضای ناتو مخالفت کردند.*** (۲۳) در همین راستا "یوشی اید"***، معاون پارلمانی وزارت توسعه، ادعا کرد که آلمان به دلیل عدم تغییر استانداردهای حقوق بشر ترکیه در آینده این تانکها را به کشور مزبور نخواهد فروخت. (۲۴)

البته علاوه بر ملاحظات سیاسی انگیزه‌های دیگری نیز در تجدیدنظر آنکارا در سیاستهای خود تأثیر داشت؛ دولت ترکیه تصریح کرده بود که حتی در صورت بالاتر بودن قیمت‌های پیشنهادی، تولیدکنندگان داخلی از تعرفه‌های ترجیحی برخوردار خواهند بود مگر اینکه پیمانکاران خارجی متعهد شوند خدمات بیشتری از جمله در زمینه انتقال تکنولوژی ارائه دهند. در حالی که برنامه پیشین موفق به تحقق تعداد اندکی پروژه کلان شده بود، برنامه جدید در پی آن بود که روشی سازمان یافته و هماهنگ برای اجرای هرچه سریعتر فهرست فزاینده طرحهای مورد نیاز، تدوین نماید.

* Turkish Defense Industry Policy and Strategy

** علی‌رغم اینکه در نظرسنجی نامی از ترکیه برده نشده بود اما همزمانی نظرسنجی با بحران به وجود آمده بر سر فروش سلاح به ترکیه به روشنی بیانگر موضع افکار عمومی آلمان در قبال فروش سلاح به ترکیه بود (۴).

*** Uschi Eid

تحلیلگران نظامی خارجی اعتقاد داشتند که تواناییهای ترکیه در عرصه تکنولوژیهای پیشرفته برای برآورده ساختن اهداف پیش‌بینی شده در پیش‌نویس برنامه بلندمدت کشور ناکافی است. به عنوان مثال، افسران نظامی ترک برای ایجاد امکان کنترل مستمر مناطق همجوار ترکیه مجموعه‌ای از سیستمهای هدف‌یابی و مشاهده مستقر در فضا به همراه سیستمهای تسلیحاتی پیشرفته را پیشنهاد کرده بودند.^(۲۵) فرماندهان ترک اخیراً به یمن همکاری در چارچوب ناتو و برخورداری از تکنولوژی اطلاعاتی آمریکایی از مزایای این سیستم بهره‌مند شده‌بودند.

بسیاری از ناظران معتقد بودند که ترکیه به تنهایی قادر به دستیابی به این توانمندیهای تکنولوژیک نیست. اما در سال ۱۹۹۶ متخصصان سنجش از دور دانشگاه فنی استانبول نشان دادند که با افزودن یک ماهواره هواشناسی در کنار ماهواره مخابراتی "ترک ست اب" - با کمک تصاویر ماهواره‌های تجارتي - می‌توان خواست مقامات دولتی و نظامی مبنی بر کسب برتری اطلاعاتی بر همسایگان بلافصل ترکیه را برآورده ساخت.^(۲۶) صنایع غیرنظامی ترکیه کمک بزرگی به تکنولوژی نظامی این کشور برای جهش به قرن بیست و یکم نمودند، اگرچه خود این صنایع نیز از حیث دانش فنی با محدودیت روبه‌رو بودند. علی‌رغم برخورداری نبودن شرکتهای بومی ترکیه از منابع تحقیق و توسعه لازم جهت پدید آوردن تکنولوژیهای بنیادین نظامی همچون دانش تولید هواپیماهای "استیلث"، پیشرفتهای صورت گرفته به ویژه در عرصه صنایع نظامی به تولیدکنندگان ترک امکان داده‌است تا خطوط تولید تجاری خود را به تولید مایحتاج نظامی تغییر دهند که این امر به نیروهای مسلح ترکیه در مقابل رقبای منطقه‌ای آن برتریهای غیرمنتظره‌ای بخشیده‌است.

علی‌رغم شکست پاره‌ای از طرحهای نوسازی پیشنهاد شده در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، وزارت دفاع ملی موفق به ایجاد یک روند دقیقتر برای نظارت بر دیگر پروژه‌ها و دستیابی به نتایج مورد نظر شد. گند شدن پیشرفت برخی دیگر از پروژه‌ها از جمله تولید هلی‌کوپترهای تهاجمی و موشک، معمول مشکلات سیاسی با اتحادیه اروپا و آمریکا بر سر اختلافات ترکیه - یونان، مذاکرات قبرس، و مسئله کردها بود. اما در سایر زمینه‌ها، مراحل پیش‌بینی شده برنامه نظامی بر طبق زمانبندی محقق شد.

نیروهای دریایی و هوایی نیز برای هماهنگ شدن با تحولات نیروی زمینی برنامه‌های خود را پیش بردند. نیروی دریایی برنامه آماده‌سازی خود را به نحوی تنظیم

کرده است که این نیرو را قادر سازد تا «همزمان به جنگ در نواحی ساحلی و عملیات در دریاهای آزاد مبادرت ورزد، و بر دریاهای آزاد سلطه مستمر پیدا کند». در زمان امضای برنامه نوسازی، قصد فرماندهان عالی رتبه از این برنامه انتقال نیروی دریایی از یک نیروی دفاع ساحلی دوران جنگ سرد به یک نیروی مناسب برای آبهای آزاد بود که قادر به افزایش و نشیت قدرت ترکیه در دریاهای مجاور باشد. اکنون تا حدودی اجزای برنامه ترکیه در این مورد آشکارتر شده است. در جولای ۱۹۹۸ شرکت‌های آلمانی قراردادهایی برای نظارت و هدایت عملیات ساخت چهار زیردریایی گشتی جدید در کارخانجات کشتی سازی "گول چوک" ترکیه به امضا رساندند.^(۲۷) براساس برنامه اولیه قرار بود این زیردریاییها بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ وارد خدمت شوند، اما خسارات زلزله اوت ۱۹۹۹ به کارخانه کشتی سازی و تأسیسات بندری به حدی بود که کار ساخت زیردریاییهای مزبور به تعویق افتاد. اکنون تلاشهایی در جهت انتقال تجهیزات مورد نیاز به یک پایگاه پشتیبانی جدید در "آکشاز" واقع در سواحل دریای اژه و ادامه فعالیتها در این مکان، در جریان است، تا زمانی که امکان بازسازی کامل "گول چوک" فراهم گردد. در عین حال، نیروی دریایی به زودی دو ناو جدید کلاس "ام ای کی او" را که کار ساخت آنها در کارخانجات آلمان به اتمام رسیده است، تحویل خواهد گرفت. واشنگتن نیز اعلام کرده است که آنکارا می تواند بر روی دریافت ۱۱ ناو کلاس "نوکس"*** و "پری"**** ساخت آمریکا حساب کند. این ناوها مجهز به موشکهای سطح به هوا و موشکهای دفاع از کشتی خواهند بود و دفاع هوایی منطقه ای |متحرک| او عوامل کنترل و فرماندهی را در اختیار نیروهای عمل کننده در دریا قرار خواهند داد. تواناییهای ضد زیردریایی و گشت ساحلی ترکیه نیز برای تکمیل ابتکارات جدید، افزایش خواهد یافت، و در همین راستا کشتیهای مین روب جدیدی به خدمت گرفته خواهند شد. در مجموع، نیروی دریایی بخش قابل توجهی از طرحهای آماده سازی پیش بینی شده برای تصدی مأموریتهای محوله و نقشهای تعیین شده برای آن در "نشریه سفید - دفاع ۱۹۹۸" را تکمیل کرده است.

نیروی هوایی نیز نیازهای خود برای کسب آمادگی لازم جهت برعهده گرفتن نقشها و مأموریتهای در نظر گرفته شده برای آن در اسناد استراتژیک را در اولویت قرار داده است.

* Gölcük

** Aksaz

*** Knox

**** Perry

در اواخر سال ۱۹۹۸ نیروی هوایی ترکیه شروع به تحویل گرفتن هواپیماهای سوخت رسان "کی سی - ۱۳۵ آر" خود نمود، همچنین عملیات ارتقای ۵۴ فروند از ۱۶۵ فروند اف - ۴ آن در قالب یک قرارداد ۶۰۰ میلیون دلاری از سوی صنایع هوایی اسرائیل پایان یافته است. این نیرو همچنین موشکهای جدید هوا به هوای "پاپای" از اسرائیل دریافت داشته و قراردادهایی نیز برای ارتقا و نگهداری هواپیماهای اف - ۵ و اف - ۱۶ خود با اسرائیل منعقد کرده است. در عرصه تجهیزات دفاع هوایی، نیروی هوایی همچنان به تقویت سیستم "رایپر" خود ادامه داده است، و مذاکراتی نیز برای به دست آوردن آتشبارهای "پاتریوت" که در خلال عملیات "روبه صحرا" از سوی آمریکا در ترکیه استقرار یافته اند، را آغاز کرده است. برای آینده، وزارت دفاع پیشنهادهایی برای خرید چهار فروند هواپیمای هشدار اولیه و کنترلی و فرماندهی نوع "آواکس" مطرح ساخته است، که این هواپیماها بایستی تا سال ۲۰۰۳ تحویل شوند.

علاوه بر موارد فوق، نیروی هوایی همچنین صنایع فضایی ترکیه را تشویق کرده است که با همکاری یک کنسرسیوم اروپایی نسبت به تولید هواپیماهای ترابری بزرگ اقدام کنند و قول داده است که حداقل ۲۶ فروند از آنها را در دهه آینده خریداری نماید. به نظر می رسد نیروی هوایی به هدف استراتژیک خود مبنی بر استقرار و حفظ برتری هوایی خود بر فراز ترکیه و ایجاد توانایی ضربه در عمق علیه کشورهای همسایه با استفاده از هواپیماهای اف - ۱۶ و پشتیبانی هواپیماهای سوخت رسان و سیستمهای شناسایی پیشرفته، دست یافته است.

در سایه این تواناییهای جدید هوایی و دریایی، ژنرال "کیوریک اوغلو" ارتش مدرن ترکیه را چنین توصیف می کند؛

ارتش از سیستمهای تسلیحاتی برخوردار خواهد شد که برتری آن را بر دشمن در عمق خاکش تضمین خواهد نمود، مهمات هوشمند شامل موشکهای دوربرد و پوشش آتش مستمر و مطمئن از آن جمله خواهد بود.
ارتش همچنین از تانکهای مدرن دارای پوشش زرهی پیشرفته و سیستمهای ضدتانک مؤثر به همراه دفاع هوایی و هلی کوپتر برای جایجایی واحدهای هوای برد بهره مند خواهد شد. ماشین آلات مهندسی سرعت بر سر

* Popeye

** Rapier

*** Patriot

**** Desert Fox

راه حرکت دشمن مانع به وجود خواهند آورد و معبرهای لازم برای تسهیل حرکت نیروهای خودی را فراهم خواهند آورد. سیستمهای جمع‌آوری اطلاعات تمامی واحدها را در هر سطحی قادر خواهند ساخت تا نسبت به ردیابی، تعیین موقعیت و شناسایی نیروهای دشمن در حوزه‌برد عملیاتی خود اقدام نمایند. (۲۸)

نتیجه‌گیری

رهبری ارتش از مردم ترکیه می‌خواهد که برای تخصیص منابع لازم جهت اجرای طرحهای نوسازی نظامی در قرن آینده از خودگذشتگی کنند. از آنجا که مدافعان نظامی طرحهای نوسازی به جای بحث در مورد هزینه و فایده این طرحها به منتقدین این طرحها برچسب عوامل مرتجع و دشمنان کشور می‌زنند، به نظر می‌رسد که این طرحها در آینده با مخالفت‌های جدی داخلی مواجه شوند. هرچه اطلاع مردم از منابع کمیابی که ارتش به دنبال هزینه کردن آنها در جهت نوسازی خود است بیشتر می‌شود و مشخص می‌گردد که این منابع تا چه حد برای بازسازی کشور پس از زلزله اخیر و تقویت توان اقتصادی آن به عنوان یک مرحله ضروری برای پیوستن به اتحادیه اروپایی، مورد احتیاج می‌باشند، بر تعداد مخالفان این طرحها افزوده می‌شود. در حالی که ارتش صراحتاً اعلام می‌کند که به قشرهای چشمگیری از جامعه یا رهبرانی که از سوی مردم انتخاب شده‌اند اعتماد ندارد، در عین حال از مردم می‌خواهد که به قضاوتش در مورد منافع ملی و نیازهای امنیتی آتی کشور اعتماد کنند. بدون جلب اعتماد عمومی در میان مدت ممکن است برنامه نوسازی به ناآرامیهای داخلی و حتی کودتای نظامی علیه دولت بیانجامد.

البته در ترکیه رهبران غیرنظامی چندی نیز وجود دارند که با برنامه نوسازی ارتش مشکلی ندارند. یکی از این فعالین سیاسی و مطبوعاتی در این راستا می‌گوید: «ترکیه برای به دست گرفتن رهبری و پیشتازی حرکت به سمت ایجاد وحدت سیاسی و اقتصادی بین کشورهای منطقه همچون بلغارستان و رومانی به یک ارتش قوی نیاز دارد». (۲۹) به عقیده وی «تنها حماقت رهبران فعلی» ترکیه را از پی بردن به لزوم ایفای نقش فعال‌تر در عرصه سیاست خارجی برای دستیابی به اهداف خود، باز خواهد داشت. البته این طرز فکر در نوشته‌های افسران نظامی نیز قابل مشاهده است. ژنرال

بازنشسته "سعدی ارگونچ" * تأکید می‌کند که؛ «موقعیت جغرافیایی و قدرت نظامی عناصر اصلی تشکیل دهنده ارزش استراتژیک نظامی یک کشور می‌باشند... چنین موقعیت [استراتژیکی] اگر موجب حساسیت متقابل [رقبا] نمی‌شد و لزوم آمادگی مضاعف را ایجاد نمی‌کرد می‌توانست یک امتیاز محسوب شود، اما با وضع فعلی این موقعیت، گوش به زنگی دائمی ترکیه و حفظ توان دفاعی بازدارنده این کشور را می‌طلبد».^(۳۰) به عبارت دیگر رهبران غیرنظامی نه تنها باید نقش بیشتر ارتش در حکومت و جامعه را به عنوان بخشی از برنامه نوسازی اجتناب‌ناپذیر بدانند بلکه همچنین بایستی آن را مطلوب و ضروری ارزیابی نمایند. براساس این تحلیل مقتضیات موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد ترکیه ایجاب می‌کند که ارتش این کشور برای ایفای نقش تاریخی خود از توانایی و آزادی عمل لازم در راستای انجام مسئولیتهای رهبری منطقه‌ای خویش برخوردار باشد. ارتش ترکیه باید قادر باشد تا چتر حمایت خود را برخارج از مرزهای ترکیه بگستراند و به پیشرفت جوامع کمتر توسعه یافته مجاور شکل بدهد. اگر چه این دیدگاهها افراطی و بدعت‌آمیز به نظر می‌رسند، اما خطوط کلی این عقاید یعنی محوریت ارتش در جامعه و روابط ترکیه با کشورهای همسایه برگرفته از اندیشه ماقبل جمهوری در عصر امپراطوری عثمانی می‌باشد.

برخی از چهره‌های دانشگاهی شروع به بررسی احتمالاتی کرده‌اند که ترکیه در صورت پی‌گرفتن سیاست انزواگرایانه کمالیستی "ترکیه محصور" یا سیاست رهبری منطقه‌ای برگرفته از الگوی امپراطوری عثمانی با آن مواجه خواهد شد.^(۳۱) در عکس‌العمل نسبت به روابط شکننده ترکیه با اتحادیه اروپا، برخی از استراتژیستها با توجه به بی‌ثباتیهای سیاسی و اقتصادی که روند پیوستن این کشور به اروپای غربی را کند می‌کند رویکردهای جایگزینی را مبنی بر ضرورت شرکت فعال ترکیه در تحولات منطقه‌ای به عنوان یک بازیگر کلیدی مطرح می‌کنند.

ارتش ترکیه متأثر از نقش پیشین امپراطوری عثمانی، به ایده تبدیل ترکیه به یک "ارائه کننده امنیت" به حوزه وسیعی از نظامهای سیاسی و اقتصادی پراکنده از آسیای مرکزی تا بالکان روی خوش نشان داده‌است. مبانی سیاست خارجی مطرح شده در "نشریه سفید - دفاع ۱۹۹۸" بازگشت ترکیه به انزواگرایی و حالت دفاعی را متفی ساخته است. در مجموع مفهوم ضمنی برنامه نوسازی جاه‌طلبانه ترکیه، پی‌گیری یک سیاست خارجی

* Sadi Ergüvenc

“نوعثمانی” از سوی آنکارا است اگرچه جزئیات این سیاست هنوز مشخص نیست. فقدان هماهنگی بین بنیانهای استراتژیک و اصلاحات نظامی، ابهاماتی را در مورد اهداف واقعی ارتش ایجاد نموده است. این نگرانیها با مشاهده بی احترامی افسران عانی رتبه نسبت به رهبران غیرنظامی و تأکید آنها بر لزوم ایجاد ثبات در منطقه از طریق سلطه نظامی هر آن افزوده می شود. عدم وجود ابزار و امکانات لازم برای دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده در برنامه های نوسازی ممکن است در نهایت این اهداف را غیرواقعی و خیالی جلوه دهد. ارتش ترکیه بدون ایجاد تغییرات عمده در فرهنگ داخلی و ساختار قدرت خود، با برخوردار شدن از سلاحهای مدرن و تواناییهای مضاعف بعید است به وسبه آرامش همسایگان خود در کوتاه مدت و اتباع ترکیه در بلندمدت تبدیل شود.

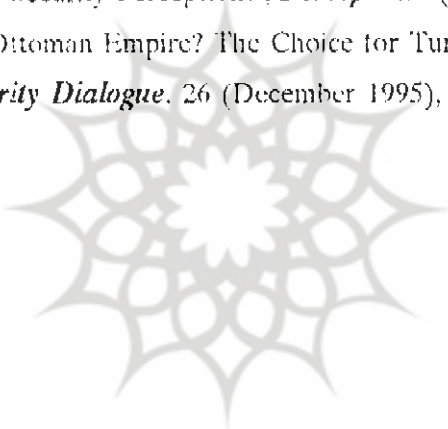


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

- ۱- مصطفی کمال پاشا (آتاترک) بنیانگذار ترکیه نوین است که در سال ۱۹۱۹ حزب ناسیونالیست ترکیه را تشکیل داد و از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ رئیس جمهور ترکیه بود.
- 2- Malik Mufti, "Daring and Caution in Turkish Foreign Policy", *Middle East Journal*, 52 (Winter 1998), pp.34-40.
- 3- As quoted Lale Sariibrahimoglu, "Arming for Peace", *Jane's Defense Weekly*, 19 August 1998, p.25
- 4- Sükrü Elekdag, "2-1/2 War Strategy". Perceptions : *Journal of International Affairs*, 1 (March-May 1996), p.57.
- 5- Ministry of National Defense (Turkey). *White Paper - Defense 1998* (Ankara : Ministry of National Defense, 1998), p.5.
- 6- Mufti, p.48.
- 7- Cevik Bir, "Turkey's Role in the New World Order : New Challenges". *Strategic Forum*, No.135 (Washington : Institute for Strategic Studies, 1998), p.4.
- 8- Hüseyin Kıvrıkoğlu, "Land Forces Organization", *Ankara Savunma ve Havacılık* (September - October 1998), pp. 10-11.
- 9- *Ulusal Strateji* (March-April 1999), pp.68-73.
- 10- *White Paper - Defense 1998*, p.19.
- 11- Elekdag, p.54.
- 12- Necip Torumtay, *Org. Torumtay'in Anilari* (Istanbul : Milliyet Yayinlari, 1994), pp.121-125.
- 13- Ekavi Athanassopoulou, "Ankara's foreign policy objectives after the end of the Cold War: Making policy in a changing environment", *Orient*, 36 (1995), pp.279-285.
- 14- Elekdag, p.57.
- 15- *Milliyet*, 22 January 1999, p.10.
- 16- *Ulusal Strateji* (March-April), pp.68-73.
- 17- Valit Erdem, "Defense Industry and Investment Projects", *Turkish Review Quarterly Digest* (Spring 1988), p.18.
- 18- Michael Robert Hickok, "Peace Onyx : A Story of Turkish F-16 Coproduction". in *International Military Aerospace Collaboration*, ed. Pia Christina Wood and David S. Sorenson (Aldershot, U.K. : Ashgate Press, 1999), pp. 153-181.
- 19- Author's interviews October - December 1997, Istanbul and Ankara.
- 20- Lale Sariibrahimoglu, "Turkey Reveals New Defence Programmes", *Jane's Defense Weekly*, 16 October 1996, p.3.

- 21- *Sabah*, 4 October 1997, p.1.
- 22- *Cümüriyet*, 3 October 1997, p.7.
- 23- *Hamburg Bild*, 30 October 1999, p.2.
- 24- *Berlin Die Tageszeitung*, 27 October 1999.
- 25- *Türkiye*, 17 August 1998, p.18.
- 26- *Istanbul Technical University's Conference on Remote Sensing Satellites and Their Application*, Space Research Technology Center, Istanbul, 11-13 March 1996. See Mesut Çiçeker's comments for greater details.
- 27- *Ankara Anatolia*, 22 July 1998.
- 28- *Savunma ve Havacılık* (September - October 1998), p.18.
- 29- Author's interview with Turkish journalists, April 1999, Washington, D.C.
- 30- Sadi Ergüvenç, "Turkey's Security Perceptions", *Perceptions* (June-August 1998), p.35.
- 31- Ola Tunander, "A New Ottoman Empire? The Choice for Turkey : Euro-Asian Center vs National Fortress", *Security Dialogue*, 26 (December 1995), 413-426.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی